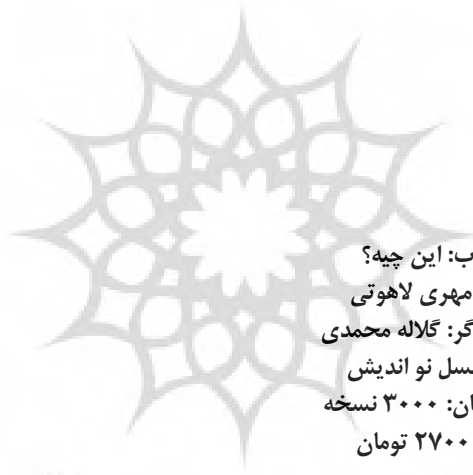


ترسیم چهره‌ی خداوند در «این چیه؟»

زهره حیدری شاه‌سرای



نام کتاب: این چیه؟
شاعر: مه‌ری لاهوتی
تصویرگر: گالاله محمدی
ناشر: نسل نو اندیش
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۷۰۰ تومان



داده و دید انتقادی نسبت به این نوع پرداختن شاعری موفق به یک مسئله مهم و حساس را تحریک می‌کند. از آن گذشته علی‌رغم روانی و صمیمیت زبان بعضی ایرادهای زبانی به چشم می‌خورد که از سوی شاعری این‌چنین موفق پذیرفتنی نیست.

همان‌طور که گفته شد، شعرها موضوعات مختلف دارند و آن‌چنان که از عنوان سؤالی کتاب (این چیه؟) و جمله‌ی آغازین هر شعر برمی‌آید، شعرها ظاهراً سعی دارند که از چیزهای مختلف محیط کودک برایش سؤال طرح کنند و به شرح مختصر آن پردازند. اما یک موضوع مشترک خارج از موضوعات مختلف هر شعر و در بخش آخر شعرها به شدت خودش را نشان می‌دهد. موضوعی که گویی قرار بود به شکلی غیر مستقیم پیامی اخلاقی - دینی را به کودک برساند، اما نه تنها خیلی واضح و رو ظاهر شده، بلکه متأسفانه احساسی حاکی از ترس را نسبت به مبدأ لطف و مهربانی و

«این چیه؟» کتابی است از سری کتاب‌های بخش من و کیمیا از انتشارات نسل نو اندیش. کیفیت جلد و صفحات کتاب و تصویرگری خوب آن از توجه ناشر به ویژگی‌های بصری کتاب برای کودکان و اهمیت دادن ناشر به مخاطب حکایت می‌کند. کتاب شامل ۱۰ شعر در قالب مثنوی است که مضمونی معماگونه برای آشنایی و شناخت کودک از محیط دارد.

مه‌ری ماهوتی پس از سال‌ها شاعری برای کودکان و کار مستمر و تخصصی در این زمینه، به یکی از چهره‌های شناخته شده در ادبیات کودکان و نوجوانان بدل شده است. شعرهای این کتاب که ده شعر از سروده‌های ماهوتی را تشکیل می‌دهند چیزهای متفاوتی از محیط پیرامون کودک را به وی نشان می‌دهند اما همه‌ی شعرها در یک موضوع ثانویه مشترک‌اند. موضوعی که به خاطر نحوه‌ی پرداختن به آن، زیبایی و روانی و سادگی شعرها را تحت‌الشعاع قرار

نیم‌خورده دور بیندازد از وجود خدا آگاه می‌کند. می‌دانیم که خداوند بر همه چیز آگاه است و همه را می‌بیند، اما در این جا و از نحوه‌ی خطاب به موش پیداست که راوی می‌خواهد بگوید به خاطر این کار بد (اسراف) خدا یقیناً موش را تنبیه خواهد کرد.

شعر زیر نمونه‌ی دیگری از همین کتاب است:

«این چیه؟ یک دفتر پاره پاره
نقاشی‌های خواهرم ستاره
یک موش چاق بدون پا کشیده
گلی که رنگ قرمزش پریده
گره‌ی او طفلی بی‌دُم شده
خروس او تاج سرش گم شده
دفتر خط‌خورده‌ی نیمه‌کاره
خدا دلش گرفته از ستاره!»
(«این چیه؟» ص ۱۴)

کودکان نقاشی را دوست دارند و هر طور که دوست دارند نقاشی می‌کشند. حتی خط‌خطی‌های کودک برای خود او مفهومی دارد و او خود بهتر از همه می‌تواند آن‌ها را تفسیر کند. پس دفتر خط‌خورده معنی ندارد. دفتر نیمه‌کاره یعنی چه جور دفتری؟ آیا شاعر تشخیص داده که نقاشی‌ها نیمه‌کاره‌اند؟ اگر کودک برای گره، دُم و برای موش، پا نکشیده است، خروس بدون تاج است و رنگ گل، از نظر شاعر قرمز نیست، پس نقاشی نیمه‌کاره است و موجب ناراحتی خداوند از کودک شده است. آیا این شعر اعتماد به نفس و ذوق کودک برای خط‌خطی کردن و نقاشی کشیدن را از بین نمی‌برد؟

ای کاش برای آموزش کودک درباره‌ی استفاده‌ی درست از وسایل و خوراکی‌ها راه دیگری انتخاب می‌شد چون تأثیر مثبت یا منفی اگر از مسیر ادبیات و در قالب کلام زیبا و احساس‌برانگیز اعمال شود بسیار عمیق‌تر است و به تناسب تأثیر مثبت و منفی بیشتری از خود به جای خواهد گذاشت و پُر واضح است که این شعر در مسیر اشتیاق کودک در نقاشی کشیدن موانعی ایجاد می‌کند و در بهترین راه ارتباطی دوسویه‌ای که درون و برون کودک را به هم مرتبط می‌کند، دست‌انداز می‌اندازد.

«تفکر و اندیشه در جهت اعتقاد به باورهای ایدئولوژیک و به ویژه مذهب یکی از محورهای اساسی در شکل‌گیری اندیشه‌ی خاص در شعر کودک و نوجوان در کشور ماست. هر قدر گروه سنی مخاطب پایین‌تر باشد، اندیشه‌های مربوط به ایدئولوژی و مذهب در شکل ساده‌تر به کار گرفته



سرچشمه‌ی محبت به کودک القا می‌کند.

«خدا» به هر نحو مستقیم و غیر مستقیم به شعرهای این کتاب کشیده می‌شود و چهره‌ای ترساننده و تنبیه‌گر از خداوند نمایش داده می‌شود. به گونه‌ای که جرئت و اعتماد به نفس کودک را حتی در انجام کارهای طبیعی‌اش می‌زاید. در همه جا کودک یا قهرمان کودک به گونه‌ای سرزنش شده و وجدان و شخصیت کودک برای هر کاری مورد بازخواست قرار می‌گیرد و بدتر از همه این که این سرزنش‌ها به خداوند ربط پیدا می‌کند. به این نمونه‌ها توجه کنید:

«این چیه؟ سیب شیرین

چرا نشسته غمگین

یک موش چاق با خنده

تکه‌ای از او را کنده

گاز زده، نیمه‌خورده

به جوی آب سپرده

طفلی سبب زیبا

افتاده زخمی این‌جا

ای موش دُم‌پریده

خدا تو را ندیده!»

(«این چیه؟» ص ۸)

در این شعر راوی، کودکی را که ممکن است سببی را



۴ سیاحت لب باغچه پیراست
فرا فورش مواظب پویه‌هاست

می‌شوند.^۱

بر اساس روان‌شناسی کودک و با هدف شناساندن خداوند و وارد کردن جهان‌بینی دینی در شعر کودک و خردسال، خداوند را باید به صورتی زیبا و از جنبه‌های رأفت، مهربانی و لطف خدا معرفی کرد و شناساندن خداوند از جنبه‌های دیگر آن البته آن هم به صورت اغراق شده برای رسیدن به اهداف تربیتی و تعلیمی، ضربه‌ای به مفهوم مهربانی و زیبایی خداوند و حس خداجویی و روحیه‌ی خدانشناسی کودک است و استفاده‌ی نادرست از نام و ذات اعظم خداوند مهربان است.

در همین مجموعه شعرهای دیگر هم هستند که مستقیماً کلمه‌ی «خدا» در آن وارد نشده است. این شعرها سعی در آموزش مسائل تربیتی به کودک دارند. البته با استفاده از موجودات یا چیزهایی که کودک به راحتی با آنها همذات‌پنداری می‌کند. این‌جا حرفی از خدا زده نمی‌شود، اما صدای سرزنش‌گری وجود دارد که حاکی از حضور قدرتی مافوق و تنبیه‌گر است:

«این چیه؟ یک چوب دراز و باریک

رفته توی لانه‌ی تنگ و تاریک

لانه‌ی مورچه ریزه

همون که ریزه ریزه اشک می‌ریزه

مورچه خاتم مانده میان سرما

بدون لانه و جا

چوب دراز و یک عالم خجالت

وای وای وای به حالت!

«این چیه؟» (ص ۱۲)

و در شعر زیر، صدا، صدای وجدان عامیانه است که کودک را سرزنش می‌کند. این صدا می‌گوید کودکی که شاخه‌ی شکوفه‌دار را شکسته در واقع بال فرشته‌ای را شکسته است:

«این چیه؟ یک شاخه‌ی بید

کی کی آن را چید

کی آن را از شاخه‌ی خود جدا کرد

دلش را با غصه‌ها آشنا کرد

شاخه‌ای که شکوفه روی آن است

مادر او درخت مهربان است

توی کتاب قصه‌ام نوشته است

که شاخه مثل بال یک فرشته است

ندیدی یک گوشه‌ی باغ نشسته

فرشته‌ای که بال او شکسته!

«این چیه؟» (ص ۱۱)

بهتر بود این جمله‌ی تأثیرگذار در شعر حالت پیشگیرانه داشت تا سرزنش‌گر. زیرا این نحوه‌ی عنوان کردن و باز داشتن، ممکن است برعکس، کودک را برای دیدن فرشته‌ای در گوشه‌ی باغ و قبل از آن شکستن شاخه تحریک کند!

«ندیدی یک گوشه‌ی باغ نشسته

فرشته‌ای که بال او شکسته»

شعرهای دیگری هم هستند که در آن‌ها شدت سرزنش تنزل یافته و انسانی و کودکانه‌تر می‌شود.

مثل این شعر:

«این چیه؟ یک عروسک

با دست و پای کوچک

کو پیرهنش، کو موهاش

موهاشو گنده داداش

حالا که غصه داره

داداش رو دوست نداره»

«این چیه؟» (ص ۱۹)

یا این شعر:

«این چیه؟ یک شیلنگه

شیلنگ کارش قشنگه

کو بند رنگ رنگش کو لنگه‌ی قشنگش
هرکی رسید با لگد آن را به یک طرف زد
طفلی کفش پاره کاشکی تمیزونو می‌شد دوباره



دفتر نقاشیات را ورق ورق یا خطخطی نکن! شاخه‌ی (شکوفه‌دار) را نشکن! سر و صدا نکن! کفش را با لگد به گوشه‌ای پرت نکن! جلوی راه کسی را نگیر! گل نچین! بر دیوار خط نکش! و... اگر ادبیات هم تکرار همان امر و نهی‌ها و تنبیه و ترساندن‌های روزمره باشد، کودک را به لذت نخواهد رساند و او را از کتاب دور خواهد کرد.

گذشته از مسائل فوق، همان‌طور که در آغاز گفته شد، علی‌رغم روانی و صمیمیت زبان، بعضی ایرادهای مفهومی و زبانی نیز در حین خواندن شعرها خودش را نشان می‌دهد که در زیر با ذکر نمونه‌هایی به آن‌ها می‌پردازیم. اگر هدف از پیش تعیین شده باشد باشد و شعر تلاشی باشد برای رسیدن به هدف مشخص و مشترک، دور از انتظار نیست اگر همه‌ی عوامل در شعر با هم جور نیایند. به‌طور مثال ارتباط منطقی بین عمل و نتیجه‌ی عمل «مداد» در شعر زیر جور درنیامده و یا حتی تصویرگر را گمراه کرده است و تصویر رابطه‌ی متناسبی با این شعر ندارد.

توجه کنید:

«این چیه؟ یک مداده

رنگش قشنگ و شاده

خواهر چوب و تخته

مادرشون درخته

نوک داره نازک و تیز

قایم شده زیر میز

چرا که روی دیوار

خط کشیده هزار بار

حالا آقا تراشه

نوکش را می‌تراشه!»

(«این چیه؟» صفحه ۲۲)

تصویر، مداد بی‌نوقی را نشان می‌دهد که رنگش آن‌چنان شاد هم به نظر نمی‌رسد و ترکیبی از سیاه و زرد و آبی است. اثری از دیوار خطخطی و میزی که مداد زیر آن قایم شده باشد در تصویر دیده نمی‌شود.

گذشته از این‌ها، چرا «آقا تراشه» به عنوان تنبیه نوک مداد را می‌تراشد و دوباره تیزش می‌کند؟! (در تصویر مداد نوک ندارد). در این‌جا هم حرف از تنبیه و ترس است. آن‌گونه که از شعر پیداست، مداد به دلیل این‌که بر دیوار خط کشیده، از ترس تنبیه شدن زیر میز پنهان شده است.

شاعر در دو شعر دیگر این مجموعه نه عمل، بلکه طبیعت و فلسفه‌ی وجودی دو موجود را زیر سؤال برده و از آن ایراد می‌گیرد. در این دو شعر:

گرد و دراز و زرده

هی سینه‌خیز می‌گرده

ریزه ریزه ریزه ریزه

آب پای گل می‌ریزه

خسته که شد همون جا

می‌خوابه پای گل‌ها

خدا کنه نبینه

یک کسی گل می‌چینه؟»

(«این چیه؟» ص ۱۷)

در این شعر هم پیامی اخلاقی همراه با تهدیدی نهفته است. این‌طور که پیداست، شعرهای این مجموعه قرار نیست چیزها را نشان بدهد، بلکه خرده‌فرمایشاتی در قبال برخورد با چیزها را به کودک گوشزد می‌کند و کودک را از عواقب کار و برخورد نامناسب با چیزها می‌ترساند یا نهی می‌کند. تکرار این مسئله در همه‌ی شعرهای مجموعه، فضایی نامأنوس برای کودک ایجاد می‌کند. کودکی که از امر و نهی‌گریزان است و به اندازه‌ی کافی در زندگی روزمره‌اش با برخوردهای آمرانه آشنایی دارد. کودک پس از شنیدن شعرها خودش را در فضای شعرها قرار می‌دهد و با شخصیت‌های موجود در شعر همذات‌پنداری می‌کند. در کنش‌ها و واکنش‌ها سهیم می‌شود. کودک می‌شنود که: سیب را نیم‌خورده دور نینداز!

فسته که شر همون با
می فوابه پای گل‌ها
فدا کنه نینه
یک کسی گل می پینه!



«این چیه؟ بوق شیپوری
وای چه صدای ناجوری
صداش می پیچه هر کجا
می رسه روی شاخه‌ها
کلاغه از خواب می پره
خوابشو از یاد می بره
شیپور زرد قارقاری
تو کاری بهتر نداری؟!
حالا همه جا جار می زدن
شیپورا مردم آزارن!

البته ناگفته پیداست که تنها کار شیپور، ایجاد صدا است و در این جا سؤال بی‌موردی مطرح شده است. شیپور، شیپور است و پیام اخلاقی که از این شعر، به عنوان یک بزرگ‌تر مقتدر می‌توان برای بچه‌ها تفسیر کرد این است که بی‌موقع شیپور نزن! یا سر و صدا نکن! وگرنه شیپور چه کار بهتری غیر از شیپور زدن می‌تواند داشته باشد؟

به این شعر نیز توجه کنید:
این چیه؟ یک گربه که در کمین است
دنبال یک جوجه‌ی نازنین است
جوجه‌خروس کوچولو
داد می‌زند: قوقولی قوقو
دُم سیاهت لب باغچه پیداست
خدا خودش مواظب جوجه‌هاست»
(«این چیه؟» ص ۲۰)

اشکالات مفهومی دیگری نیز در چند شعر به چشم می‌خورد که نشان از عدم توجه کافی شاعر به مخاطب و شعر دارد:

مثال:

«این چیه؟ یک شیلنگه
شیلنگ کارش قشنگه
گرد و دراز و زرده
هی سینه خیز می‌گرده»

...

(ص ۱۶)

آوردن صفت «گرد» برای شیلنگ اندکی دور از ذهن است. هر چند در تصویر زیبایی مربوط به این شعر تصویرگر سعی کرده شیلنگ را به صورت نیم‌دایره رسم کند، اما این تلاش تصویرگر هم، نتوانسته آوردن چنین صفتی برای شیلنگ آن هم در کنار کلمه‌ی «دراز» را توجیه کند.

با وجود این که از زیبایی تصاویر کلاژ «گلاله محمدی» می‌توان بسیار لذت برد، اما عدم هماهنگی تصاویر با متن آزاردهنده است. یک نمونه‌ی بارز غیر از آن‌ها که در بالا توضیح داده شد، تصویر صفحه‌ی ۷ است. شعر این صفحه از یک لنگه کفش کثیف و پاره می‌گوید:

شتاب‌زدگی در به وجود آوردن شعر با پیام اخلاقی برای گنجاندن در مجموعه‌ای با موضوع یکسان، در این جا نیز منجر به عدم هماهنگی، عدم تناسب و کم‌توجهی به درک مخاطب شده است. اولاً ممکن است این کتاب به دست یک کودک روستایی مثل من بیفتد که بداند صدای جوجه‌خروس کوچولویی که آن قدر کوچک است که می‌تواند لقمه‌ی گربه‌ای شود، «قوقولی قوقو» نمی‌تواند باشد. ثانیاً ممکن است کودکی کنجکاو و گربه دوست پیدا شود و از خودش بپرسد، پس خدا چرا فقط مواظب جوجه‌هاست و مواظب گربه‌ها نیست؟

غیر از این‌ها، اشکال تصویری آشکاری نیز در صفحات مربوط به این شعر وجود دارد و تصویر به‌گونه‌ای است که سؤالات زیادی را در ذهن کودک ایجاد می‌کند. اول این که تصویر جوجه پشت سر گربه آمده و انگار جوجه در کمین گربه است و ثانیاً گربه و دُم گربه قهوه‌ای است و سیاه نیست.

مورچه قائم مانده میان سرما برون لانه و چا
چوب دراز و یک عالم فعالیت وای وای به حالت!

همون که ریزه ریزه اشک می‌ریزه»

...

یک دست نبودن زبان آفتی جدی برای شعر کودک است و به کلیت مجموعه آسیب می‌رساند. در یک جا در هنگام خواندن شعر و تلفظ درست حتی به عنوان یک بزرگسال با مشکل مواجه می‌شویم. در این شعر:

«این چیه یک شاخه‌ی بید
کی کی کی آن را چید؟»
(ص ۱۱)

خواندن این شعر به دلیل قرار گرفتن چهار کلمه‌ی «کی» به شکل متوالی دشوار است. ضمن این که این تکرار به لحاظ مفهوم ضرورتی ندارد و زیبایی در صورت و آهنگ هم ایجاد نمی‌کند.

در چند جا هم با یک تغییر کوچک در جابه‌جایی واژه‌ها در شعر می‌توان به حالت درست‌تری از ترکیب‌بندی رسید:

«گربه‌ی او طفلکی بی‌دم شده
خروس او تاج سرش گم شده»

در مصرع دوم به جای این که هم از ضمیر (او) و هم از ضمیر (ش) استفاده کند، به راحتی می‌توانست بگوید: (تاج سر خروس او گم شده) که از نظر شنیداری زیباتر هم می‌شود.

و باز هم در همان شعر در این بیت:

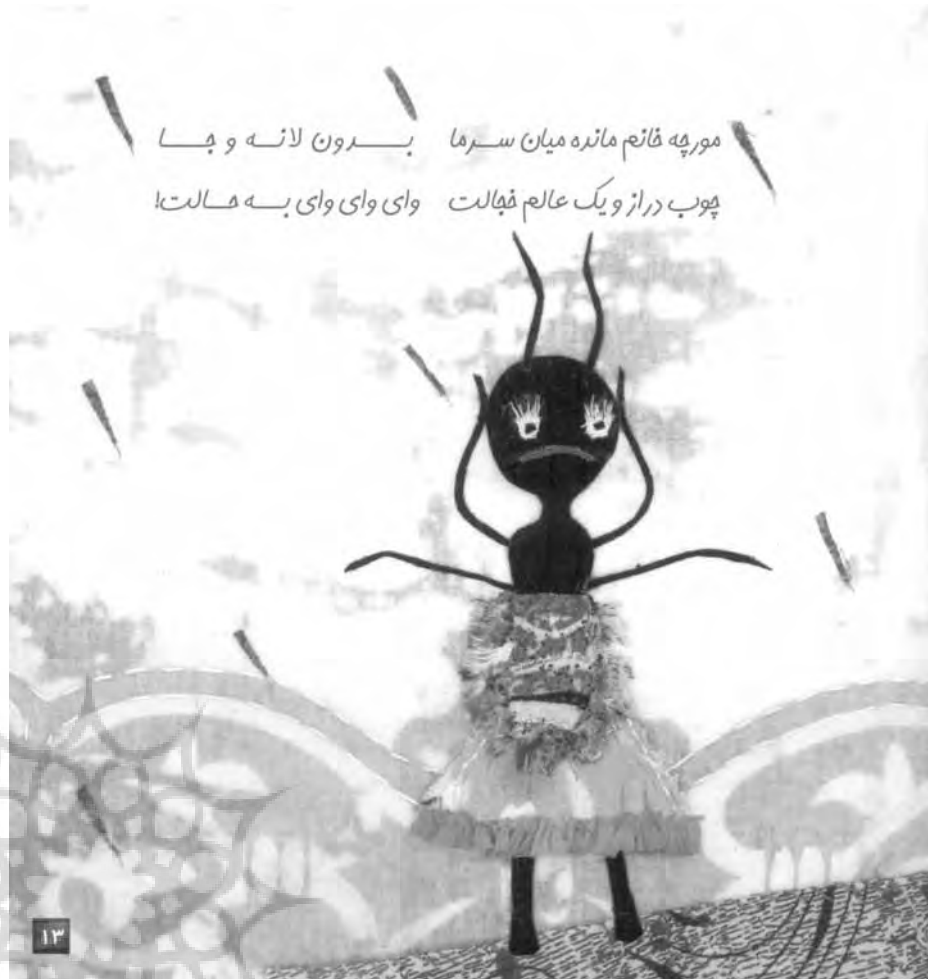
«دفتر خط‌خورده‌ی نیمه‌کاره
خدا دلش گرفته از ستاره»

با یک تغییر جزئی در مصرع دوم (دل خدا گرفته از ستاره) زبان ساده‌تر و روان‌تر می‌شود.

مسئله‌ی مسرت‌بخش و مغتنم در وادی شعر کودک این است که شاعران پُرسابقه‌ای هم‌چون مهری ماهوتی هم‌چنان در این عرصه کار می‌کنند و به دلایل مختلف از دنیای شعر و کودک فاصله نگرفته‌اند. اما تقریباً در کار همه‌ی شاعران پُرسابقه شاهد تفاوت کیفیت آثار مختلف‌شان هستیم و باید دید این تفاوت کیفیت در آثار مختلف یک شاعر از کجا ناشی می‌شود. زیرا مخاطبان در هنگام خریداری کتاب، در بیشتر موارد به دیدن نام‌های آشنا بر پیشانی کتاب‌ها اکتفا و با توجه به کارهای فراوان و موفق شاعران قدیمی به کتاب‌ها اعتماد می‌کنند.

بی‌نوشت:

۱ - «از این باقی شرقی»، پروین سلاجقه



«این چیه؟ کفش کوچولو

کهنه، کثیف، بی‌رنگ و رو»

...

اما تصویر، لنگه کفش سالم و تمیز و زیبایی را نشان

می‌دهد.

یک دست نبودن زبان، ویژگی دیگر این مجموعه شعر

است. بعضی شعرها با زبان محاوره و بعضی دیگر به زبان

معیار سروده شده‌اند.

مثال:

«این چیه؟ یک گربه که در کمین است

دنبال یک جوجه‌ی نازنین است»

...

(ص ۲۱)

این چیه؟ یک مداده

رنگش قشنگ و شاده

...

(ص ۲۲)

«این چیه؟ یک چوب دراز و باریک

رفته توی لانه‌ی تنگ و تاریک

لانه‌ی مورچه ریزه